

## القسم الثاني : في أحكام الولادة

### بخش دوم: احكام تولّد

والكلام في: سنن الولادة، واللواحق.

آداب و سنتهاى تولد و پيوستهايش:

أما سنن الولادة:

آداب تولد:

فالواجب منها: استبداؤ النساء بالمرأة عند الولادة دون الرجال إلا مع عدم النساء، ولا بأس بالزوج وإن وجدت النساء.

واجب است هنگام وضع حمل تنها زن‌ها نزد او باشند نه مردها، مگر در شرایط نبود زن، ولی حضور شوهر اشکالی ندارد، حتی اگر زن‌ها باشند.

والندب ستة: غسل المولود، والأذان في أذنه اليمنى، والإقامة في اليسرى، وتحنيكه بماء الفرات، وبتربة الحسين (ع)، فإن لم يوجد ماء الفرات فبماء فرات، ولو لم يوجد إلا ماء ملح جعل فيه شيء من التمر أو العسل، ثم يسميه أحد الأسماء المستحسنة، وأفضلها ما يتضمن العبودية لله سبحانه، وأسماء الأنبياء والأئمة والصالحين والصالحات (ع)، وأن يكنيه، وتستحب التسمية يوم السابع. ويكره: أن يكنيه أبا القاسم إذا كان اسمه محمداً.

مستحبات شش گانه تولد: غسل دادن بچه، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، باز کردن کام بچه با آب فرات و تربت امام حسين ع و اگر آب فرات نبود با آب گوارای دیگری و اگر جز آب شور آب دیگری نبود در آن مقداری عسل یا خرما می‌ریزند تا شیرین شود، سپس او را به یکی از نام‌های نیکو نامگذاری کند و بهترین آنها نام‌هایی است که معنای بندگی خداوند سبحان و اسم‌های پیامبران و امامان و مردان و زنان صالح را شامل باشند، برای او کنیه قرار دهد، و مستحب است نامگذاری در روز هفتم باشد، و اگر نامش محمد باشد مکروه است کنیه‌اش را ابو القاسم قرار دهد.

وأما اللواحق، فتلاثة:

پیوست‌ها: (سه مورد)

سنن اليوم السابع، والرضاع، والحضانة.  
شامل: مستحبات روز هفتم، شیردادن و حضانت.

وسنن اليوم السابع أربع: الحلق، والختان، وثقب الأذن، والعقيقة.  
مستحبات روز هفتم که چهار مورد است: تراشیدن سر، ختنه، سوراخ کردن گوش و عقیقه.

أما الحلق: فمن السنة حلق رأسه يوم السابع مقدماً على العقيقة، والتصدق بوزن شعره ذهباً أو فضة. ويكره: أن يحلق من رأسه موضع، ويترك موضع، وهي القنازع.  
- تراشیدن سر: سنت است که روز هفتم قبل از عقیقه سر او را بتراشند و به مقدار وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بدهند، و مکروه است که بخشی از سر او را بتراشند و بخش دیگر را رها کنند، که این عمل، ناپسند است.

وأما الختان: فمستحب يوم السابع، ولو أخر جاز. ولو بلغ ولم يختن وجب أن يختن نفسه. والختان واجب، ولو أسلم كافر غير مختن وجب أن يختن ولو كان مسناً.  
- ختنه: در روز هفتم مستحب است، و جایز است آن را به تأخیر بیندازد. اگر به بلوغ برسد و ختنه نشده باشد واجب است او خودش را ختنه کند، و ختنه کردن واجب است. اگر کافر ختنه نشده، مسلمان شود واجب است که ختنه کند؛ حتی اگر مسن باشد.

وأما العقيقة: فيستحب أن يعق عن الذكر ذكر، وعن الأنثى أنثى، وهي مستحبة. ولو تصدق بثمانها لم يجز في القيام بالسنة. ولو عجز عنها آخرها حتى يتمكن، ولا يسقط الاستحباب.  
- عقیقه: مستحب است برای پسر، گوسفند نر و برای دختر گوسفند ماده عقیقه کنند، و (عقیقه) جزو مستحبات است، و اگر قیمتش را صدقه بدهد سنت را به جا نیاورده است، و اگر توانایی این کار را ندارد صبر می کند تا بتواند و استحباب آن از بین نمی رود.

ويستحب: أن تجتمع فيها شروط الأضحية، وأن تخصص القابلة منها بالرجل والورك. ولو لم تكن قابلة أعطي الأم تتصدق به. ولو لم يعق الوالد استحباب للولد أن يعق عن نفسه إذا بلغ.  
مستحب است: حیوانی که می خواهد عقیقه کند شرایط قربانی در حج<sup>(۱)</sup> را داشته باشد، و پا و ران گوسفند را به قابله بدهند، و اگر قابله نداشته باشد به مادر می دهند تا او صدقه بدهد. اگر فرزند عقیقه نشود، مستحب است بعد از بلوغ خودش عقیقه کند.

1- مراجعه شود به کتاب حج. (مترجم)

ولو مات الصبي يوم السابع فإن مات قبل الزوال سقطت، ولو مات بعده لم يسقط الاستحباب. ويكره للوالدين أن يأكلا منها، وأن يكسر شيء من عظامها التي تسير عليها (اليدان والرجلان)، بل يفصل أعضاؤها.

اگر بچه روز هفتم پیش از ظهر بمیرد، عقیقه ساقط می‌شود و اگر بعد از ظهر بمیرد، استحباب عقیقه از بین نمی‌رود.

مکروه است که والدین از آن بخورند و همچنین مکروه است استخوانهایی که بر آنها راه می‌رود (دستها و پاها) را بشکنند، بلکه از مفصل جدا می‌کنند.

وأما الرضاع: فلا يجب على الأم إرضاع الولد، ولها المطالبة بأجرة إرضاعه، وله استئجارها إذا كانت بئناً. ويجب على الأب بذل أجرة الرضاع إذا لم يكن للولد مال، ولأمه أن ترضعه بنفسها أو بغيرها، ولها الأجرة. وللمولى إجبار أمته على الرضاع

شیردادن: بر مادر واجب نیست به بچه شیر بدهد و می‌تواند برای شیر دادن به بچه اجرت بخواهد. اگر زن را طلاق بائن داده باشد می‌تواند او را برای شیر دادن اجیر کند. اگر بچه دارای مال نباشد بر پدر واجب است اجرت شیر دادن را بپردازد. مادر می‌تواند خودش یا شخص دیگری به او شیر دهد و اجرت را دریافت کند. مولا می‌تواند کنیزش را مجبور به شیر دادن کند.

ونهاية الرضاع حولان، ويجوز الاقتصار على أحد وعشرين شهراً، والأفضل أن لا ينقصه عن ذلك. ويجوز الزيادة عن الحولين شهراً وشهرين.

پایان شیر دادن دو سالگی است و جایز است به بیست و یک ماه بسنده کند، و بهتر آن است که از (بیست و یک ماه) کمتر نباشد، و جایز است که یک یا دو ماه بیش از دو سال شیر بدهد.

ولا يجب على الوالد دفع أجرة ما زاد عن حولين. والأم أحق بإرضاعه إذا طلبت ما يطلب غيرها. ولو طلبت زيادة كان للأب نزعها وتسليمه إلى غيرها. ولو تبرعت أجنبية بإرضاعه فرضيت الأم بالتبرع فهي أحق به، وإن لم ترض فللأب تسليمه إلى المتبرعة. أمه، فهو أفضل.

بر پدر واجب نیست اجرت شیر دادن بیش از دو سال را بپردازد. اگر مادر برای شیر دادن همان مقداری را درخواست کند که دیگران درخواست می‌کنند، مادر برای شیر دادن به فرزندش اولویت دارد، اما اگر بیش از دیگران درخواست کرد مرد می‌تواند بچه را از او بگیرد و به دیگری بدهد. اگر زن غریبه‌ای حاضر باشد مجانی به بچه شیر دهد و مادر نیز راضی شود مجانی به بچه شیر دهد مادر در شیر دادن به فرزندش اولویت دارد، و اگر مادر راضی نشود به بچه مجانی شیر دهد مرد می‌تواند بچه را به آن زن غریبه بدهد.

ويستحب: أن يرضع الصبي بلبن

مستحب است که بچه از مادرش شیر بخورد؛ که بهتر همین است.

وأما الحضانة: فالأم أحق بالولد مدة الرضاع، وهي حولان، ذكر أكان أو أنثى، إذا كانت حرة مسلمة. ولا حضانة للأمة، ولا للكافرة مع المسلم.

حضانة: مادر اگر آزاد و مسلمان باشد در مدت شیر دادن - که دو سال است - برای حضانت بچه مسلمان نسبت به دیگران اولویت دارد، چه فرزند دختر باشد یا پسر. کنیز یا غیر مسلمان حق حضانت ندارد.

فإذا فصل فالوالد أحق بالذكر، والأم أحق بالأنثى حتى تبلغ سبع سنين، ثم يكون الأب أحق بها. ولو تزوجت الأم سقطت حضانتها عن الذكر والأنثى، وكان الأب أحق بهما. ولو ماتت كانت الأم أحق بهما من الوصي.

پس از پایان شیر دادن، اولویت حضانت فرزند پسر با پدر، و اولویت حضانت فرزند دختر تا هفت سالگی با مادر است و بعد از آن اولویت حضانت با پدر می‌باشد. اگر مادر ازدواج کند، حق حضانت از او گرفته می‌شود و به پدر می‌رسد، چه فرزند دختر باشد یا پسر، و اگر پدر بمیرد، مادر در حضانت بر وصی اولویت دارد.

وكذا لو كان الأب مملوكاً أو كافراً، كانت الأم الحرة أحق به وإن تزوجت. فلو أعتق كان حكمه حكم الحر. فإن فقد الأبوان فالحضانة لأب الأب، فإن عدم كانت الحضانة للأقارب، وترتبوا ترتيب الإرث.

همچنین اگر پدر غلام یا کافر باشد، زن آزاد مسلمان حتی اگر ازدواج کرده باشد برای حضانت اولویت دارد، و اگر مرد آزاد شود حکم آزاد را پیدا می‌کند.

اگر فرزند، پدر و مادر نداشته باشد، حضانت به پدر بزرگ پدری می‌رسد، و اگر او هم نبود حضانت - به ترتیب ارث - به نزدیکانش می‌رسد.<sup>(2)</sup>

## ومن لواحق الحضانة

ملحقات حضانت

ثلاث مسائل:

سه مسئله است:

2- در هر کدام از این مراتب اگر شخص مؤمن نباشد حضانت به نفر بعدی می‌رسد. (مترجم)

الأولى: إذا طلبت الأم للرضاع أجره زائدة عن غيرها، فله تسليمه إلى الأجنبية، ولا تسقط حضانة الأم.

اول: هنگامی که مادر برای شیر دادن اجرتی بیش از دیگران درخواست کند مرد می تواند بچه را به دیگری بدهد ولی حق حضانت مادر از بین نمی رود.

الثانية: إذا بلغ الولد عاقلاً سقطت ولاية الأبوين عنه، وكان الخيار إليه في الانضمام إلى من شاء.

دوم: هنگامی که بچه عاقل و بالغ شود، ولایت پدر و مادر از او ساقط می شود و او می تواند نزد هر کدام که بخواهد بماند.

الثالثة: إذا تزوجت سقطت حضانتها، فإن طلقها رجعية فالحكم باق، وإن بانت منه رجعت حضانتها.

سوم: هنگامی که زن ازدواج کند حق حضانتش از بین می رود و اگر طلاق رجعی داده شود، این حکم باقی است (و حق حضانت ندارد)، اما اگر طلاق بائن داده شود حق حضانتش باز می گردد.